

# فهرست عقائد عرفا و صوفیه

و تضاد آن با عقائد اسلامی

بها ۳ ریال

فهرست عقاید عرفا و صوفیه که مخالف اسلام است  
 در اینجا شماره شد، و در مقابل هر شماره عقیده حقه شیعه ذکر  
 شده، برای آنکه مسلمین، فرق اسلام و تصوف را بدانند  
 و گول نخورند

عقائد عرفا و صوفیه در مقابل آن عقائد اسلامی شیعه

- |   |   |
|---|---|
| ۱- کشف و شهود حجت است                   | ۱- حجت منحصر بعقل و شرع است                     |
| ۲- وصل بحق ممکن است                     | ۲- وصل بحق محال و مدعی آن کافر است              |
| ۳- از مرشد واصل عبادت ساقط است          | ۳- سقوط عبادت انکار ضروری و موجب ارتداد است     |
| ۴- شریعت غیر از حقیقت است               | ۴- شریعت تماماً حقائق و انکار آن کفر است        |
| ۵- طریقت غیر از شریعت است               | ۵- طریقت موجب تفرقه و بی‌مدارکست                |
| ۶- وجود خالق و مخلوق یکی و همه حق است   | ۶- این ادعا وحدت وجود و بدترین شرکست            |
| ۷- اتحاد خالق و مخلوق جائز است          | ۷- اتحاد خالق و مخلوق محال و مدعی آن مشرک است   |
| ۸- هر دین و مسلکی حق و طرق الی الله است | ۸- دین حق یکی و باقی همه باطل است               |
| ۹- ریاضت و چله مخصوص مقدمه کمال است     | ۹- ریاضت و چله مخصوص بدعت و ضلالت است           |
| ۱۰- علی ازلی وابدی و عین هر موجود است   | ۱۰- علی حادث است و با چیزی متحد نمیشود          |
| ۱۱- خدا حلول و ظهور میکند در مرشدان     | ۱۱- حلول و ظهور خدا امر محال و مدعی آن کافر است |
| ۱۲- خدا فاعل بالتجلی است                | ۱۲- خدا فاعل بالقصد و الاراده است               |
| ۱۳- خدا دارای صورت است                  | ۱۳- خدا منزّه است از صورت و عرض و ترکیب         |

- ۱۴- خدا دیده میشود .
- ۱۵- تجسم حق تعالی جائز است
- ۱۶- کرامت و معجزه از منافق روا است
- ۱۷- عشق مقدم بر عقل است
- ۱۸- عشق بر خدا ممکن است
- ۱۹- عشق بحق موجب کمال است
- ۲۰- عرفا و اقطاب عاشقند
- ۲۱- انبیا و ائمه عاشق بودند
- ۲۲- ادعای خدائی از مخلوق روا است
- ۲۳- تشبیه حق بخلق جائز است
- ۲۴- مقصود از بت عیار و صنم دلربا خدا است
- ۲۵- در عبادت توجه بمرشد لازم است
- ۲۶- توجه با سماء و مظاهر حق عبادت است
- ۲۷- علم حجاب از حق است
- ۲۸- حقایق دین مربوط بالفاظ قرآن و حدیث نیست
- ۲۹- شعر اساس و مدرک دین است .
- ۳۰- حقایق را باید از شعر گرفت
- ۳۱- شعر و عرفا از مفاخرند
- ۳۲- رقص و موسیقی از مراسم عرفانست
- ۳۳- فقها اهل ظاهر و عرفا اهل باطنند
- ۳۴- اهل طریقت مفسدند
- ۳۵- فقر مسلك خوبی است .
- ۳۶- شارب دراز نشانه اهل حق است
- ۳۷- شارب دراز ضرری ندارد
- ۳۸- جعل کذب برای ترویج تصوف جائز
- ۳۹- دستور شرع برای باطن کافی نیست
- ۴۰- تناسخ جائز و صحیح است
- ۱۴- خدا منزّه است از رؤیت
- ۱۵- خدا منزّه است از جسم و جوهر
- ۱۶- صدور معجزه و کرامت از کافر و منافق دروغ است
- ۱۷- عشق امر نفسانی و عقل حجت الهی است
- ۱۸- عشق بخدا مجال و باطل است
- ۱۹- عشق امر شهوانی و موجب نقص است
- ۲۰- عرفا و اقطاب عاشق ریاستند
- ۲۱- ایشان اهل یقین و ایمان بودند نه عشق
- ۲۲- ادعای خدائی موجب کفر و نجات است
- ۲۳- تشبیه حق بخلق نوعی از شرکست
- ۲۴- چنین نامها برای خدا موجب شرکست
- ۲۵- توجه بغير خدا در عبادت موجب شرکست
- ۲۶- توجه با سماء و مظاهر حق شرکست
- ۲۷- علم نور است و موجب معرفت
- ۲۸- تمام حقائق در لفظ قرآن و حدیث است
- ۲۹- شعر و شاعری در اسلام حجت نیست
- ۳۰- اشعار شعر اوجب دوری از دین است
- ۳۱- افتخار اسلام بعلم و تقوی است .
- ۳۲- رقص و موسیقی در اسلام حرام است
- ۳۳- باطن عرفا کفر و بی دینی است
- ۳۴- اهل طریقت منافق و بی دینند .
- ۳۵- فقر: بدبختی و روسپاهی دنیا و آخرتست
- ۳۶- شارب دراز مخالف ملت اسلامست
- ۳۷- شارب دراز قرآن از سفاهت شمرده
- ۳۸- جعل احادیث موجب ضلالت است
- ۳۹- شرع اسلام جامع و کافی است
- ۴۰- تناسخ عقیده کفار و باطل است

- |   |   |
|---|---|
| <p>۴۱- خدا اراده نکرده فسق و فجور را</p> <p>۴۲- جبر باطل و نوعی از شرکست</p> <p>۴۳- اینها در اسلام نبوده و بدعت است</p> <p>۴۴- ولی امر منحصر بدوازده امام است</p> <p>۴۵- خدا منزله است از موج و ظل</p> <p>۴۶- درك ذات حق محال است</p> <p>۴۷- فناء در حق و بقاء بحق کذبست</p> <p>۴۸- نبوت و امامت شخصی است</p> <p>۴۹- پیغمبران عدد مبین و کم و زیاد نمیشوند</p> <p>۵۰- انبیاء واقع متعدّدند</p> <p>۵۱- تأثیر نفس مدرك خوبی نمیشود</p> <p>۵۲- واجب الاطاعة خدا و اهل عصمت است</p> | <p>۴۱- فسق و فجور بتقدیر و اراده خدا است</p> <p>۴۲- بشر در اعمال خود مجبور است</p> <p>۴۳- خانقاه و مراسم تصوف از اسلام است</p> <p>۴۴- مرشدان و اقطاب ولی امرند</p> <p>۴۵- موج و ظل وجود حق است</p> <p>۴۶- درك ذات حق ممکن است</p> <p>۴۷- فنا در حق و بقاء بحق کار عرفا است</p> <p>۴۸- نبوت و امامت نوعی است</p> <p>۴۹- برپا شدن ممکن است پیغمبر شد</p> <p>۵۰- انبیاء یکو بودند باشکال متعدده</p> <p>۵۱- تأثیر نفس مدرك خوبی مرشد است</p> <p>۵۲- مرشدان واجب الاطاعة میباشند</p> |
|---|---|

عقائد باطله و خرافات صوفیه بیش از اینها است که ذکر شد زیرا ما با خلاصه کوشیدیم و بهائی و شیخی و اسماعیلی و بسیاری از مسلکهای باطله از صوفیگری ایجاد شده و اگر کسی مدرك آنچه ذکر شد بخواهد مراجعه کند بکتاب حقیقه العرفان و کتاب عقل و دین و سایر کتب مبسوطه یا بیاید نزد ما، مدرك برای او نشان دهیم -

الاقل سیدا بوالفضل ابن الرضا (علامه برقی)

## فرق بین اسلام و تصوف بنظم از مثنوی منطقی

- |   |   |
|---|---|
| <p>فرق اسلام و تصوف بشمرید</p> <p>گر بخواهی مثنوی ما بخوان</p> <p>آنچه گویم مثنوی از خروار هست</p> <p>ما بیك دینیم و او صد دین بود</p> <p>هیچکس را نیست اندر این شک</p> <p>نزد او هر راه راه کردگار</p> <p>نزد صوفی جمله ادیان حق بود</p> <p>او برای خود طریقت جاعل است</p> <p>عاقلا کردم بیان گر بنگری</p> | <p>مثنوی منطقی را بنگرید</p> <p>فرق اسلام و تصوف ایفلان</p> <p>فرق ما و صوفیان بسیار هست</p> <p>فرق ما و صوفی اندر دین بود</p> <p>دین حق و هم طریق حق یکی</p> <p>او همی داند طرقترا بشمار</p> <p>نزد ما اسلام را رونق بود</p> <p>نزد ما اسلام شرع کامل است</p> <p>خدا اسلام است این صوفیگری</p> |
|---|---|

فرق ما و صوفیان بوالفضل  
 ما خدا گوئیم خلق از وی جدا  
 ما کنیم اسلام فرماندار خویش  
 هر حقیقت نزد ما از دین بود  
 دین ما از آیه و سنت بود  
 دین ما فرموده حق است و پس  
 دین ما از وحی حق نبود پدر  
 دین ما از وحی ربانی بود  
 دین صوفی گیر داز و همش وجود  
 دین ما از وحی حق گردیده راست  
 دین صوفی از هوای زائیده شد  
 دین ما شرع بود از ذوالجلال  
 ما بگوئیم عالم آمد از عدم  
 نزد ما باشد بشر از ممکنات  
 میرسد صوفی ز سیر و ارتقا  
 ما همی گوئیم حق را وصل نیست  
 او همی گوید شدم وصل بحق  
 نیست اندر جبهام الا خدا  
 او بگوید قطب ما معبود ما است  
 نزد ما خالق ندارد صورتی  
 صورت مرشد بود معبودشان  
 رؤیت حق است نزد ما محال  
 لیک صوفی گاه بیند روی او  
 نزد ما نبود خدا را وصف خو  
 نزد ما نبود خدا را حد و قد  
 حق منزه نزد ما از جوهر است  
 نزد صوفی حق مجسم گاه گاه  
 هر کجی و کفر و شرک و زندقه  
 ما بگوئیم انبیا تک تک بدند  
 یک حقیقت هست در چندین صور  
 ما ولايترا پس از خیر البشر  
 پس ولایت نزد ما بر نفس بود

هست جاری در فروغ و در اصول  
 او یکی داند همه خلق و خدا  
 او کند تطبیق با پندار خویش  
 او حقیقت را جدا از دین کند  
 دین او از کفر و از بدعت بود  
 دین او فرسوده هر بوالهوس  
 دین او شالوده فکر بشر  
 دین او الهام شیطانی بود  
 نام وی بگذاشته کشف و شهود  
 دین او عشق است تا عشقش چه خواست  
 پس برقان بعد از آن نامیده شد  
 دین او ذوق است و پندار و خیال  
 او بگوید حق تجلی کرد و دم  
 مینگردد ممکن و واجب بذات  
 تا بگوید من شدم ذات خدا  
 وصل بعد از فصل، او را فصل نیست  
 نیست تکلیفی مرا بی طعن و دق  
 چند جوئی در زمین و در سما  
 چون شدی و اصل یقین ذات خدا است  
 نزد صوفی هست حقرا طلعتی  
 همچو پت گردیده او مستجودشان  
 دیدنی نبود وجود ذوالجلال  
 گاه میگوید ز وصف خوی او  
 خوبود ز اوصاف حیوان ایمنو  
 دمنزد صوفی ز حق از زلف و خند  
 هر که او را جسم داند کافر است  
 ای فغان از کفر صوفی آه آه  
 جمله در صوفی بود بید قدقه  
 او بگوید شکل بیش و یک بدند  
 گاه احمد هست و گاهی بوالبشر  
 منحصر دانیم در اتنی عشر  
 نزد صوفی نی بنس مختص بود

او بگوید چون نبوت نوعی است  
لیک بر احمد نبوت شد تمام  
تاقیامت هر زمان باشد ولی  
هر ولی کاید چه از پیش و چه پس  
نی تناسخ هست ولی رجعت بود  
ما بگوئیم آنکه ما را صاحب است  
او بگوید هر بشر کاملتر است  
ما بگوئیم آنکه جبر محض نیست  
او بگوید محض جبر است و قضا  
نزد ما جز انبیا و اوصیا  
نزد صوفی هر کس را معجزات  
بر حسن بصری که بد چون سامری  
را به عدویه بد یکفاجره  
پس بر اینان کن قیاس دیگران  
معجزاتی هر یکی را بی اساس  
نزد ما عقل حجتی از داور است  
عشق نزد ما است از میل و هوس  
نزد صوفی عقل مردود است و پست  
ادعای عشق حق صوفی کند  
عشق آمد عقل او آواره شد  
ای خدا این عشق چو بود از کجا است  
هر چه کردم سپر قرآن و خیر  
صوفیان ایندا مرا بهر عوام  
عشق شد وصفی ترا و صاف بشر  
این صفت چون حادث و از خلقت است  
نزد ما عشق خدا کذب و محال  
لیک صوفی دیده روی و خط و خال  
نزد ما پیغمبران عاقل بدند  
نزد صوفی انبیا عاشق بدند  
نزد ما تشبیه حق نبود روا  
نزد ما اسماء حق توقیفی است  
لیک صوفی آورد نام رکبیک

بلکه این اصل و نبوت فرعی است  
هست باقی این ولایت تاقیام  
خواه از نسل عمر خواها از علی  
یکه حقیقت هست و صورت چند کس  
مقتضای سیر یکو وحدت بود  
این زمان از دیده ما غایب است  
مر شد و قطب است و پیر و رهبر است  
جبر در تکوین بود در فرض نیست  
بنده را نی اختیار و اقتضا  
معجزه نبود کسیرا از خدا  
فاستی باشد و یا از فاسقات  
گیر و شد معجزاتی بشمری  
معجزاتش را بین در تذکره  
ز اولیاء و مرشدان صوفیان  
خویش را با انبیا کرده قیاس  
نزد صوفی عشق از آن بالاتر است  
عقل شد حجت بهر صاحب نفس  
او مطیع عشق خود بوده است و هست  
رقص چون بواشم کوفی کند  
از هوی و از هوس بیچاره شد  
کی تو گفتی عشق محبوب خدا است  
جز مذمت من ندیدم ای پسر  
از کجا پیدا نمودندی تمام  
آنهم از دلدادگی بایکدگر  
لاجرم خالق اجل زین نسبت است  
چون تصور می نکرد دذوالجلال  
زین سبب عاشق شده بر آن جمال  
اهل ایمان و زیقین کامل شدند  
واله و شیدای آن خالق شدند  
نزد صوفی حق بود چون ماسوی  
بهر ما اوصاف و حش کافی است  
بت بنامد آن خدای بی شریک

نزد ما از علم شد کشف صواب	نزد صوفی علم گردیده حجاب
فخر ما تقوی و ایمانست و بس	نزد صوفی شاعری فخر است و بس
رقص و موسیقی بنزد ما حرام	لیک صوفی زانندو باشد بر مرام
او بقتل و خائنه آرد نفاق	نزد ما این هر دو باشد از شقاق
زین سبب قال الامام العسکری	بدتر از هر کفر شد صوفیگری
عالمی گرداشت میل این مرام	شر خلق الله بفرمود آن امام
پس بین ای شیعه نیکو مرام	صوفیان بردند اصل دین تمام
دیگر این افرار در اشیعی مگو	توبه کن بسیار استغفار گو

### چگونه تصوف در مسلمین رخنه کرد

چون یهود و گبر و ترسا حس نمود	کز مسلمان نی توان کس را ر بود
از مسلمانان چو مأیوس آمدند	لاجرم از راه منحوس آمدند
از ره صوفیگری وارد شدند	بر گروهی بی خیر مرشد شدند
دین حق بردند و بر آن تاختند	بر همان اسبش قناعت ساختند
اسم چون باشد فریب آسان بود	خاصه آن کز رسم دین نادان بود
پس ز هر سو گبر و ترسا و یهود	خویش را در مسلمین وارد نمود
هر یکی یکمده را درویش کرد	وارد اندر آن مرام خویش کرد
مختصر چون دشمنان ره یافتند	تا توانستند در دین بافتند
جاهلان پنداشتند از حسن ظن	کانه میگویند حق است و حسن
هر که با چشم رضا بیند کسی	عیبها یسرا ندارد و ارس
مختصر صوفیت از اسلام نیست	محض نام است عبرتی بر نام نیست
هست عرفان خیالی دامشان	ایدل غافل نگردی دامشان
راه صوفی نهی شد اندر خیر	خست در حقش بجز لعن و شر
گر تو خواهی مدرک هر يك از این	روحیت را بخوان با عقل و دین (۱)

(۱) مقصود از این مصراع کتاب حقیقه العرفان و کتاب عقل و دین است و برای کسانی که جویای حق باشند و بخواهند اصول عقائد حق را فرا گیرند و خرافات و باطلها را بدانند، این دو کتاب بی نظیر است.

## بعضی از تألیفات مؤلف این کتاب شریف

- |  |                                       |
|--|---------------------------------------|
| ۲۵- حواشی بر مکاسب                       | ۱- مرآت الایات یار اهنمای مطالب قرآن  |
| ۲۶- مجموعه‌ای از اشعار                   | ۲- کلمات قصار سیدالشهدا با ترجمه آن   |
| ۲۷- مجموعه‌ای از اخلاق                   | ۳- گنج گهر ۱۵۰۰ سخن از پیغمبر (ص)     |
| ۲۸- تراجم الرجال از روایت و علما و شهداء | ۴- گنج حقائق کلمات قصار امام صادق ع   |
| شیعه ده جلد بفارسی                       | ۵- رساله حقون بیان حق خالق و مخلوق    |
| ۳۹- تراجم النساء در دو جلد               | ۶- عشق و عاشقی از نظر دین و خرد       |
| ۴۰- رساله پیش آهنگی                      | ۷- حقیقة العرفان - همین کتاب          |
| ۴۱- حواشی بر کتب حدیث                    | ۸- التفهیم                            |
| ۴۲- اربعین                               | ۹- فهرست عقاید عرفا و صوفیه           |
| ۴۳- جبر و تفویض                          | ۱۰- فهرست عقائد شیخیه                 |
| ۴۴- تحفة الرضوی                          | ۱۱- عقل و دین جلد اول توحید و عدل     |
| ۴۵- ترجمه مختار نفی                      | ۱۲- عقل و دین جلد دوم نبوت تا معاد    |
| ۴۶- جدول درارث                           | ۱۳- خزینة جواهر کلمات قصار امام پنجم  |
| ۴۷- ترجمه بعضی از دعاها                  | ۱۴- شعر و موسیقی از نظر عقل و دین     |
| ۴۸- ترجمه بعضی از وسائل                  | ۱۵- فهرست عقائد حقه امامیه            |
| ۴۹- حافظ شکن                             | ۱۶- گلشن قدس یا عقائد منقول           |
| ۵۰- ترجمه مقداری از توحید صدوق           | ۱۷- دلیل حکم محاسن و شارب             |
| ۵۱- پند خردمند                           | ۱۸- پاسخ یکسروی                       |
| ۵۲- مثنوی منطقی                          | ۱۹- سرگذشت شهید نوری                  |
| ۵۳- ترجمه جامع الدروس العربی و غیر       | ۲۰- فریب جدید در ائتلاف تثلیث و توحید |
| اینها و هر کس بخواهد یکی از اینها را     | ۲۱- فهرست مجالس المؤمنین              |
| طبع و نشر کند آزاد است                   | ۲۳- حواشی بر صلوة همدانی              |
|  | ۲۴- فقه استدلالی                      |

## محل فروش کتاب حقیقة العرفان و عقل و دین

تهران : اکثر کتابفروشیهای معتبر - و گنذر وزیر دفتر -  
 منزل مؤلف - مشهد کتابفروشی جعفری بهاء ۱۰۰۰ ریال